

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در مقایسه با سایر ادوار شعر فارسی

محمد رضا حصارکی^۱، مهین خطیب‌نیا^۲

چکیده

شعر معاصر به نوعی گره‌خوردگی روحیه حماسی با مضامین و مولفه‌های اجتماعی است که به مقتضای فضای جامعه و به جهت تقویت اعتلا و پیشرفت مردم جامعه به بیان مفاهیم و ارزشهایی چون دلاوری شجاعت، ریا، بی‌باکی، سیاست، روش‌کورداری، آداب مردم‌داری، تهذیب اخلاق، دادگری و عدالت، فقر، آزادی و مهین پرستی می‌پردازد. در این میان، ادب و هنر برخلاف پندار بسیاری از زندگی اجتماعی می‌تراود و یکی از اصول ضروری حیات اجتماعی است و پا به پای تحولات جامعه تغییر می‌پذیرد؛ پس ادب و هنر صرفاً پدیده‌ای ساخته شده ادیب نیست؛ بلکه مسائل اجتماعی از عوامل مهم پدید آوردن ادب است؛ چرا که ادیب روح زندگی مردم عصر خویش را می‌فهمد و شادی و غم آنها را می‌شناسد. هدف از این پژوهش پرداختن به تعهد اجتماعی هنرمند و ادیب به عنوان یکی از رکن‌های اصلی مورد بررسی در جامعه‌شناسی ادبیات است. شاعر و نویسنده متعهد نارضایتی ناشی از اختلافات و ناهمگونی جامعه را که دال بر تحولات و تغییرات آن جامعه است در اثر خود جلوه می‌دهد. در این مقاله پس از بررسی‌های لازم در تاریخ سیاسی و سپس اجتماعی دوره معاصر به بررسی مسایل اجتماعی و جامعه‌شناختی در آثار بزرگان ادب معاصر چون "ملک الشعراء بهار، نیما یوشیج، فرخی یزدی، پروین اعتصامی و شهریار" می‌پردازد. نتیجه این پژوهش، بازتاب آرمان و رسالت اجتماعی و چالش‌های موجود در جامعه به عنوان بزرگترین رهاورد شعر معاصر در بین ادوار شعر فارسی است.

واژگان کلیدی: بن‌مایه جامعه‌شناختی، ادبیات معاصر، ادوار ادبی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m.r.hesaraki@gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نایین، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

پس از تسلط عرب بر ایران و در هم ریختن بیشتر شئون اجتماعی و اقتصادی و مذهبی و ملی، زبان فارسی بیش از دیگر مظاهر اجتماعی صدمه دیده و تحت فشارهای سخت قرار گرفته و در بسیاری نقاط اجباراً به طاق فراموشی افتاده است. زبان فارسی دری و سپس زبان عربی و محلی جایگزین زبان پهلوی ساسانی شد. ادبا و علما و دیوانیان به زبان عربی شروع به نوشتن کتب و رسالاتی کرده اند و پس از آن در رشته‌های مختلف ادبی اعم از تاریخ و افسانه و سرگذشت و آثار بسیاری به زبان فارسی به وجود آورده اند که خوشبختانه قسمت بزرگی از آنها از تصاریف روزگار در امان مانده است و همین کتب منثور دیوان شعرا مشحون از مسائلی است که منبعث از روحیه نویسندگان و شعرا و متناسب با محیط و رویه زندگانی و وضع اجتماعی جامعه و روزگار آنان بوده است و شعرا و نویسندگانی که وابسته به دربار و ثروتمندان و قدرتمندان بوده اند، کمتر روحیات و حوائج و آرمانهای مردم عادی را بیان کرده اند و بیشتر مطالب کتب در خصوص افکار و زندگی و طرز تفکر و شیوه طبقات ممتاز بوده و کمتر سخنی از بدبختی‌ها و کار و گرفتاری و مشکلات و ستمکشی‌های مردم ضعیف روستایی و افرادی بی‌پناه و فقیر جامعه می‌شده است و عوام مصداق "العوام کالانعام بل هم اضل" بوده و درخور حمایت و قلم زدن نبوده اند.

اجتماع و عوام هنگام جنگ مورد یغما و تاراج دشمن بوده و به اسیری می‌رفتند و در زمان صلح هم گرفتار مأموران شداد و غلاظ بوده اند. در این میان تعدادی از شعرا یا نویسندگان حسّاس به جهت هشدار به زورمندان و ظالمان و همدردی با مردم ضعیف و ناتوان شعری سروده و یا مطلبی به نثر بیان کرده اند؛ عده‌ای هم از مشاهده اعمال خلاف رویه و غیر انسانی زورمندان متأثر گردیده و خانقاه را برای تأثرات خود برگزیده و در آنجا به تزکیه روح پرداخته و از زبان مردم ضعیف و به نفع آنها شعر سروده و یا تصورات غلط و خودپسندی و مادی‌گری و اعمال زور و ستمگری ظالمان را به باد طنز گرفته با طرد خودبینی در نفس و بدبینی در جمع خدمت به خلق و ایثار را عملاً به اثبات رسانیده اند و آرزو و امیدواری‌های عامه مردم را بیان و جمع‌کثیری را ارشاد و رهبری نموده اند؛ بعضی از این دست شعرا و نویسندگان متعهد در اشعار و نوشته‌های خود به بیان مسائل اجتماعی

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....139

چون مطالب عادی زندگانی، مشکلات خاص جامعه، راهمایی برای بهبود وضع جامعه در نظر گرفته و در آثارشان به بیان تصویری دردآلود از جامعه و دستور العملهای اخلاقی و اجتماعی پرداخته‌اند. این‌ها در واقع جامعه‌شناسانی بوده‌اند که ضرورت‌های روابط اجتماعی و کنشهای متقابل دوران خود را درک نموده و در آثار خود بیان می‌کرده‌اند. (ترابی، ۱۳۷۶:۴۳) در دوره معاصر جنبش مشروطه با همه کاستی‌هایش در اوضاع اجتماعی ایران اثر گذاشت و دگرگونش نمود و این دگرگونی به ناچار در شعر هم که در رابطه تنگاتنگ با شرایط اجتماع است می‌بایست رخ می‌نمود، اما با ناهمگونی طبقات اجتماعی در ایران تأثیر جامعه مشروطه در شعر ناهمگون بود.

گروهی بدون در نظر گرفتن تغییر و تحولات در ایران همچنان در بند زلف یار بودند. گروهی به خواب عرفان بی‌زمینه‌ای فرورفته‌اند می‌گفتند و یا کسانی چون بهار، مضامینی در حمایت از انقلاب، مبارزه با استبداد، کینه‌جویی، با جهان‌خواران، حقوق زنان و ... را به زور در قالب تنگ غزل و قصیده جای می‌دادند. گروه دیگری از شاعران متعهد و آگاه که لزوم یک دگرگونی در شعر را در پی تغییر و تحولات اجتماعی جامعه دریافته و در پی راه تازه‌ای بودند.

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز با اوجگیری فعالیتها و مبارزه‌های سیاسی در ایران نوعی سمبولیسم اجتماع‌گرا در شعر رخ نمود، البته این بازتاب کودتا که در محتوا و درون‌مایه شعر شعرا از مسائل اجتماعی بود، یکسان نبود. انقلاب سفید "شاه و مردم" در سال ۱۳۴۱ و حادثه سیاهکل هم زمینه اجتماعی خاص را برای شعر معاصر به وجود آورده و در هر حال به جهت بررسی مسائل اجتماعی در شعر معاصر نخست باید دیدگاهی کلی درباره اوضاع سیاسی و تاریخی دوره معاصر داشته باشیم. (حاج سید جوادی، ۱۳۸۲:۹۳). در این مقاله، تلاش می‌شود به ابعاد گوناگون مسائل اجتماعی در دیوان برخی از شعرای معاصر پرداخته شود و تصویری روشن از ابعاد گوناگون آن ارائه گردد. چرا که

«یکی از ارکان استوار ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق زمین همواره تأکید بر اصول و آموزه‌های پندگونه اخلاقی است.» (پلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

جنبه شاعرانه‌ی اشعار تعلیمی ما بسیار قوی است: «زیرا با شور احساس شخصی شاعر نسبت به مسائل اخلاقی و تعلیمی و اجتماعی و عرفانی و مذهبی همراه است» (فرشید ورد، ۱۳۸۷: ۷۵)، از این رو پرداختن به اخلاقیات و اجتماعیات در اشعار شعرای معاصر، تصویر روشنی از شخصیت شعرا و حتی جامعه و اجتماع زمان او ارائه می‌دهد و این امر، خود دلیل محکمی بر ضرورت و اهمیت انجام این تحقیق است. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود. صالحی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مشبه به‌های اجتماعی در غزلیات فرخی یزدی» به بیان تشبیهاتی پرداخته که در آن‌ها فقط به مضامین اجتماعی پرداخته شده است. کاظم خانلو و جاوید مهر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌های اخلاقی در دیوان شهریار» به مضامین اخلاقی و اجتماعی بر اساس تعالیم اسلام پرداخته؛ ولیکن درباره سایر شعرای معاصر پژوهشی نداشته است.

شبستری و ستاری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در شعر ملک الشعرا بهار و احمد صافی نجفی» به بررسی مضامین اجتماعی چون مسائل زنان، بی‌عدالتی و اصلاحات اجتماعی و فقر پرداخته که در مقام مقایسه، از بیان برخی از مضامین غافل مانده است. محمدی و پناهی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «عناصر اجتماعی و انسانی در شعر نیما یوشیج، به بررسی مسائلی چون استبداد ستیزی و آزادی خواهی پرداخته؛ ولیکن موضوعات بیان شده بسیار محدود و مختصر بیان شده است.

پژوهش حاضر از جهت پرداختن به ابعاد مختلف مضامین اجتماعی، نسبت به پژوهش‌های اخیر، کامل‌تر و از جهت بررسی تطبیقی اجتماعیات بین ادوار شعر فارسی، دارای نوآوری در تجزیه و تحلیل اشعار می‌باشد.

در این مقاله سه فرضیه مطرح شده‌اند: ۱- به نظر می‌رسد، شرایط خاص اجتماع، در ایجاد یک اثر ادبی رابطه مستقیم دارد. ۲- به نظر می‌رسد، شناخت مناسبات فرهنگی جامعه بر شالوده ذهنی و فکری شعرا و ادیبان در خلق آثار تاثیر گذار جامعه، تاثیر می‌گذارد. ۳- به نظر می‌رسد، دوره معاصر در بازتاب مسائل جامعه‌شناسی، بین ادوار شعر فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روش شناسی

روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی و ابزار تحقیق، فیش برداری از منابع و مطالعات نظری چون کتابخانه و مقالات است. داده ها از اشعار دیوان اشعار نیما، بهار، فرخی، پروین و شهریار، استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر با استفاده از مقوله های زیر درصدد آزمون فرضیات تحقیق هستیم.

الف: ادوار شعر معاصر و مشخصه های اجتماعی

۱- دوره تجدد (عصر مشروطه) که به دو دوره تقسیم شده است: (۱/۱) آغاز جنبش تا صدور فرمان مشروطیت (۱۲۸۴ش): ظهور شعر سیاسی - اجتماعی با نگرش عینی، مفاهیم تازه در ظروف قالبهای کهن، عواطف سرشار ناسیونالیستی و لحن و بیان شعار گونه و روزنامه ای (۲/۱) پس از صدور فرمان مشروطیت تا آخر حکومت قاجار (۱۳۰۴-۱۲۸۴): تداوم ویژگیهای دوره قبل، گرایش نسبی به تجدد در فرمهای شعری، تلاش در آفریدن تخیلات و تصاویر جدید متأثر از ادبیات فرنگ و ترک، ظهور ادبیات چپ گرا.

۲- دوره نوگرایی الف) عصر پهلوی ها: (۱/۲): ۱۳۲۰ تا ۱۳۰۴ (عصر رضا شاه): تداوم سخت گیری، تأثیر آرام آرام، ترجمه اشعار اروپایی و ترکی بر شعر فارسی، شکستن تساوی وزنی مصراعها و ظهور و حرکت آرام شعر آزاد. (۲/۲): ۱۳۳۲ تا ۱۳۲۰ (سقوط رضا شاه و کودتای ۲۸ مرداد): تثبیت و گسترش شعر نو، ظهور شعر تغزلی، سیاسی و اجتماعی، حزبی و ظهور شعر منشور به شکلی خام و ابتدایی. (۳/۲): ۱۳۴۰ تا ۱۳۳۲: اوجگیری و تکامل شعر نو، غلبه روح نفرت و نومیدی، گسترش سمبولیسم اجتماعی، اوجگیری رمانتیسم فردی و اجتماعی، تثبیت شعر سپید. (۴/۲): ۱۳۵۰ تا ۱۳۴۰: گسترش زیبا شناسی مدرن نو، گرایش شعر به حیات و حرکتی دوباره، ظهور دو جریان متضاد (موج و شعر مقاومت). (۵/۲): ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۰: افول نسبی شعر از حیث زیبا شناختی و غلبه روح سیاسی، اوجگیری همزمان شعر مقاومت و نو

ب) شعر در عصر پسا انقلاب اسلامی

۱۴۲.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

۱- ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۷: اوجگیری شعر انقلاب و جنگ، احیای قالبهای سنتی در خدمت مفاهیم تازه، غلبه محتوا بر فرم، انشقاق شعرا به دو دسته مذهبی و روشنفکر، غلبه روح جمعی بر روح فردی، سرشاری از امیدواری و آرمان خواهی، گسترش مایه های حماسی، دینی و عرفانی در اشعار

۲- ۱۳۷۹ تا ۱۳۶۷: گسترش شعر جامعه گرا و انسان مدار، گسترش روح یأس و اعتراض، بحران، تأثیر فرهنگ رسانه ای و ایده های مدرنیستی بر شعر، ظهور دو جریان متضاد در شعر نو: الف) جریان آرمانگرا (با حفظ اعتدال فرم و محتوا. ب) جریان آرمان گریز (پرهیز از سیاست و جامعه و گرایش به فرم، ساختار و تئوری های وارداتی) (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۷۹-۱۷).

مباحث جامعه شناختی در ادب فارسی: موضوع جامعه شناسی زندگانی اجتماعی است که به بیان و توجیه زندگانی اجتماعی می پردازد؛ اعم از انسانها یا جانوران. پس جامعه شناسی از زندگانی اجتماعی موجودات زنده گفتگو می کند؛ اما زندگی اجتماعی محصول و نتیجه روابطی است که افراد انسانی یا به طور کلی موجودات زنده را به یکدیگر پیوند می دهد. روابط اجتماعی بر اثر تکرار و تثبیت از نوعی نظم یا سازمان برخوردار می شوند و شکل می یابند و هر فردی از بدو تولد تا لحظه مرگ خواه نا خواه در آغوش اجتماع است و چون از مسائل اجتماعی مندرج در ادبیات فارسی سخنانی به میان می آید و عین نوشته ها یا اشعار نویسندگان و شاعران درباره اوضاع و احوال و روزگار و عادات و حالات و طرز تفکر و برخورد اندیشه ها و رفتار مردم مذکور میگردد نامش را جامعه شناسی ادبیات گذاشته اند.

پس جامعه شناسی ادبیات عبارت است از توجیه مطالب و حوادث اجتماعی مندرج در کتب نظم و نثر زبان فارسی آن هم به صورت بسیار مختصر و بیان نقطه نظرهای نویسندگان و شاعران در مورد مسائل اجتماعی روزگار خود. (سلیم، ۱۳۷۷: ۴۲).

پ- شعر اجتماعی

شعر اجتماعی شعری است با جان و جوهری جامعه گرا و انسان مدار بر پایه فلسفه تکامل تاریخ که بیانگر آرمانهای جمعی مردم است. در این قلمرو شاعر به قصد بیدار گری و ارتقای بینش و ادراک توده مردم همگام با عواطف و اندیشه های آنان به میدان می آید و می کوشد تا بازتاب صادق زمانه

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....143

خود باشد. شاعر اجتماعی هم با احساس خواننده و هم با درک و اندیشه او سر و کار دارد. شعر اجتماعی ریشه در دید عمیق اجتماعی و بشری دارد، حسی که باید ذاتی و درونی شاعر باشد و با روح و خون وی عجین گردد.

شاعر اجتماعی می‌کوشد عواطف و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی را در کارگاه ذهن خلاق و بصیرت شاعرانه تجزیه، تحلیل و با پالایش هنری آن را به صورت هنری اصیل ارائه دهد. بیان شعر اجتماعی باید کوبنده، پر تپش و هیجان آفرین باشد؛ به گونه‌ای که سستی و رخوت خواننده را به شور و شعوری ناب مبدل سازد. شاعر اجتماعی خواننده را به لمس خالص زندگی با وجود تمام دردهایش وا می‌دارد. شعر اجتماعی در ایران و در دوره معاصر ریشه در: ۱- شعر کهن فارسی به خصوص شاهنامه و قصاید ناصر خسرو ۲- شعر پرتب و تاب دوره مشروطه به ویژه آثار بهار، عشقی، عارف و... دارد که دور از شعار بافی و همراه با تأملات عمیق شاعرانه است و اصولاً می‌توان اشعار سمبولیک نیما را نخستین تجارب شعر نو رمز گرای اجتماعی دانست. (روزبه، ۱۳۸۶: ۴۳)

یافته‌ها

یکی از اهداف مورد تحقیق شناخت ویژگی‌های اجتماعی اشعار در دهه‌های مختلف است. یافته‌های دهه‌های مختلف در زیر آمده است:

الف: ویژگی‌های اشعار اجتماعی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰. افول نسبی عواطف فردی و عاشقانه در برابر عواطف و اندیشه‌های اجتماعی/ظهور توانمند اندیشه یأس و حسرت و شکست و پناه بردن به قلمرو رمز و سنبل و کنایه/توجه شعرا و نویسندگان به سرچشمه‌های فرهنگ بومی و اقلیمی/رواج تفکر لاییک و غیر دینی/توجه به مضامینی چون نبرد ویتنام، تبعیض نژادی، مبارزات ضد امپریالیستی در سراسر جهان/ظهور جریان‌هایی چون شعر سپید، نو، حجم، مقاومت/تأثیر پذیری دریافتهای مدرنیستی غرب و شرق به خصوص در آثار شاعرانی چون الیوت، مایا کوفسکی، لورکا، ازراپاوند، سارتر و.../به وجود آمدن "ادبیات متعهد" ژان پل سارتر در مقابل "ادبیات محض" که تحت تأثیر آن در ایران دو جریان ادبی مخالف شعر مقاومت و موج نو به وجود آمد. ب- برجسته‌ترین ویژگی‌های

اشعار اجتماعی دهه ۵۰: اقتدار بیانی با حفظ جوهره شعری از طریق بهره‌گیری از تصاویر و نمادهای شاعرانه. پ- برجسته‌ترین ویژگیهای اشعار اجتماعی دهه ۶۰: او‌جگیری مبارزات مسلحانه و چریکی، بیانی تند، صریح و گاه شعارگونه (نوبخت، ۲۸-۱۳۷۹: ۴۳). ت- ویژگیهای شعر اجتماعی پس از انقلاب: کمبود تأملات عمیق شاعرانه، روح امید، حماسه و معنویت در آثار، گرایش به عشق عارفانه، مردم‌باوری، وفور واژگان و اشارات اساطیر ملی، دینی و عرفانی. غلبه روح نومی‌دی و سرخوردگی در آثار، گرایش به ابهام و پیچیدگی در کلام تحت تأثیر ترجمه اشعار مدرن جهان، گرایش به زبان رایج گفتاری، ثنوری زدگی، گرایش به بیان ترجمه‌ای و فرمهای تازه، جزئی‌نگری و غیبت‌گرایی. یافته‌های به دست آمده از اشعار شعرای معاصر در زیر آمده است:

۱- بازتاب مسائل اجتماعی در اشعار نیما

نیما چون شاعران دوره مشروطه به وقایع سیاسی و اجتماعی مستقیماً اشاره نمی‌کند. البته نیما به خاطر روح آزاد و کوهستانی‌اش نسبت به پاره‌ای از انگیزه‌های خارجی چون فقر و گرفتاری مردم، ناراستی و تزویر ناشی از جاه‌طلبی و زرپرستی، استثمار مردم توسط قدرت‌طلبان، انقلاب مشروطه و حمایت مردم، حساسیت خاصی از خود نشان می‌داد و تأثیر این انگیزه‌ها است که چون تغییر و تحولی اجتماعی در حال ظهور است در او ایجاد امید و خوشبینی و یا گاه غم و اندوه می‌کند. نیما شاعر دوران ساز ادبیات معاصر و پرورش یافته عصر تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی است. او رشد یافته فضایی بود که در آن ملتی ستمدیده و محروم از حقوق اولیه اجتماعی برای رسیدن به جامعه مبتنی بر قانون و عدالت و آزادی خود را به آب و آتش می‌زد.

اصیلترین آثار ادبی ما از شاهنامه گرفته تا آثار سعدی و حافظ و اشعار نیما در تعارض و تقابل با نظام اجتماعی منحط خلق شده است که نتیجه روح و الهام و کمال چنین شاعرانی است. نیما اجتماع پیرامون خود را با همه پستی و بلندیهایش درک کرد، پس با برداشتی درست از ادبیات و اجتماع حرکتی را آغاز کرد که مایه ایجاد قالب و فرمی شد که بتواند اجتماع موجود را دریابد. نیما با چنین قصد و نگرشی پیشاپیش مردم عصرش به حرکت درآمد و به طور غیر مستقیم پیام خود را ارائه نمود.

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....145

مثلاً در دوره خفقان آور رضاخان، نیما با انتخاب زبان استعاره و رمز مسائل رنج آور جامعه و حقایق گریز ناپذیر اجتماع را بیان می‌کرد و این نوآوری و ابداع یکی از تفاوت‌های بنیادین بینش انسان معاصر با انسان کهن است. پس مسائل اجتماعی با توجه به اینکه شاعر معاصر می‌اندیشد و ذهن کاوشگر او در حوزه‌های مختلف جولان می‌کند، در ادبیات معاصر به خوبی در شعر مستقیم یا غیر مستقیم جلوه گر شده است. (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۴)

افسانه منظومه غنایی و رمانتیک نیما زمانی سروده شد که وی تحت تأثیر نهضت جنگل و انقلاب مشروطه و جریان‌های ادبی و فکری داخل و خارج به ویژه فرانسه تازه اندیشیدن را فرا گرفته بود. پس در افسانه و در خلال گفتگوهای میان افسانه و عاشق به بازخوانی خاطرات این دو می‌پردازد و به مسائلی فراتر از بیان دلدادگی می‌پردازد. دغدغه‌های نیما از اجتماع پیرامون او، افسانه را در لایه‌ای از غم و اندوه فرو برده که یاد آور صدای غم آلود نسلی است که در سپیده دم آزادی و امید آرزوهای خود را بر باد رفته می‌بیند. نیما در این منظومه دشمنان مردم را این گونه توصیف می‌کند:

ای فسانه، خسانند آنان/ که فرو بسته ره به گلزار/ خس به صد سال طوفان ننال/ گل ز یک تند باد است بیمار/ تو مپوشان سخنها که داری در افسانه، عاشق یا شاعر یکی از افراد برجای مانده از فضای انقلاب مشروطه و پس از آن است، فضایی که انقلابیون در آن به علت عدم شرایط لازم به انزوا کشیده می‌شوند و قدرت طلبان و فرومایگان به قدرت می‌رسند. "عاشق" در افسانه نماد انسان متفکر و تجدد طلب و مشروطه خواه است که به علت ظهور دوباره استبداد، به سرخورده‌ای گریزان از سنت تبدیل شده که ترجیح می‌دهد به گذشته و خاطرات شیرین آن باز گردد؛ پس به فردیت خویش پناه می‌برد و منزوی می‌شود؛ اما در نهایت داستان شور و نشاط و امید برای جامعه‌ای که آرزوی سعادت آن را داشت به ارمغان می‌آورد تا خلق از ناامیدی نمیرند و به حیات اجتماعی خود ادامه دهند.

ناقوس از جمله شعرهای بلند اجتماعی نیماست که زمینه عاطفی آن را امید به بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی رقم زده و با یک مقدمه و ۱۲ بند آغاز می‌شود. بانگ ناقوس در خلوت سحر یعنی

زمانی میان تاریکی شب و روشنی صبح بلند می‌شود در حالیکه مردم خفته‌اند؛ این سحرگاه نمادی از وضعیت اجتماعی و شرایط تاریخی حاکم بر جامعه است که از یک طرف با تاریکی و ظلمت گره خورده و از یک طرف امید است که به صبح و روشنایی بینجامد. مردم هم از نظر تاریخی و اجتماعی در خواب غفلتند. پس در چنین وضعیتی بانگ ناقوس امید برانگیز است تا خفتگان را بیدار کند، نیما ناقوس را به پرواز آزاد مرغ ابر در فضای خاموش مردابهای دل تشبیه می‌کند. بند اول به تمامی سؤال از ناقوس است، بند دوم به توصیف بانگ دلنواز ناقوس می‌پردازد که نوای گرمش همه را با هم آشنا می‌کند تا دل‌های خسته را به هم پیوند دهد و متحد سازد. در بند سوم دینگ دانگ ناقوس سخن از تداوم زندگی و دنیا می‌کند و نادان کسی که به تداوم جهان با همه خوبیها و زشتیهایش ایمان نداشته باشد.

در بند چهارم نادان تر آنانند که زندگی را باور نمی‌کنند و مردم منافقی هستند که در راه انقلاب مردم مانع ایجاد می‌کنند. در بند پنجم بانگ ناقوس همراه با افزایش امید است که راه خیر و سلامت را به خلق نموده تا معما را حل کند: « تا آدمی ز دل نزاید/ رنگ خیال پوچ/ شایسته نیاز نگردد./ هیئات/ هیچ در به رخ ما/ بیهوده باز نگردد/ بی کوششی که شاید و چاره‌گری که هست/ مرغ اسیر نرهد از بند/ بدجوی را که فریب است/ دست از دی ندارد و از بند» در بند ششم زوایای جامعه ای است که از یک طرف با فقر و رنج برهنگان و زندانیان و خانه‌ها دست به گریبان است و از سوی دیگر با ظالمان. در بند هفتم بانگ ناقوس از خانه سحر بیرون می‌رود تا قندیل‌های خلوت غمخانه‌ها را خاموش کند تا ریشه‌گزند از هول بلرزد. در واقع بند هفتم مقدمه‌برپایی یک انقلاب است که نیما به آن امید بسته است. در بند هشتم توصیف انقلاب به پا شده است:

دینگ دانگ یکسره/ از میمنه تا میسر/ آن بافته گسیخت/ و اهریمن پلید/ افسون بر آب ریخت/ برچیده گشت/ آمد نگون/ وز هم گسست/ شالوده فسانه دیرین/ الفاظ ناموافق/ معنی نامساعد آیین/ عیبی/ منسوخ شد/ منکوب شد در بند نهم باز هم توجه را به بانگ ناقوس جلب می‌کند، کار او پس از انقلاب هم پایان نیافته است. در بند دهم و یازدهم اندرزاها و اندیشه‌های حکیمانه و انقلابی بیان می‌شود. در بند دوازدهم بانگ ناقوس مژده جهانی دیگر است که پس از

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....147

انقلاب و سرنگونی شب ظلم فرا می‌رسد: دینگ دانگ.... این چنین / ناقوس با نواش در انداخته
طنین / از گوشه‌های جیب سحر صبح تازه را / می‌آورد خبر / او مزده جهان دگر را / تصویر می‌کند.
نیما در این شعر به سمبل‌های متداول "شب و صبح" که اولی شرایط جامعه پیش از انقلاب و ظلم
و فساد و استبداد و فقر و بی‌عدالتی حاکم بر آن اشاره دارد و دومی به جامعه پس از انقلاب و
سعادت و آزادی و عدالت.

او در اشعار دیگرش چون خروس و پادشاه فتح به بهبود و تحول اوضاع اجتماعی می‌اندیشد و در
آن اعتماد به نیروی نهفته در بطن جامعه و امید به تحقق پیروزی مردم بر ظلم و استبداد و تغییر و
تحول جامعه است. در کل نیما در اشعار خوش بینانه حقایق نهفته اجتماعی را که تحت سلطه
جهانخواران و تحت ظلمت فقر و استبداد است فاش می‌کند. (کشاورز، ۱۳۸۱: ۴۳-۵۴)

ابعاد جامعه‌شناختی اشعار نیما یاس و ناامیدی و سرخوردگی تحت فشار و سرکوب و خفقان بعد
از کودتای ۱۳۳۲ ش. در شعر: "ای شب، افسانه، شیر، یادگار فروردین، مجلس" / ایجاد نوآوری و
ابداع در جهت انعکاس بهتر مسائل اجتماعی / استبداد ستیزی و آزادی خواهی و حق طلبی / همدردی
با فقیران و رنجبران جامعه ایرانی و عدالت خواهی / همنوایی و همدردی در اشعار که به منزله ترقی
شأن و منزلت اجتماعی نیز هست.

/ سخن از وجود فاصله طبقاتی و ایجاد وفاق و همدلی با زبانی ساده و محاوره‌ای / نفی مطلق نگرانی
و مقدس شمردن برخی از نخبگان هنری و اجتماعی / گله و شکایت از روابط اجتماعی که بر مبنای
نظام فردی و سودجویانه است. / تلقی نو از پدیده‌ها و مفاهیم تحت تأثیر عصر مشروطه و ایجاد تنوع
مفهومی در شعر. / جزئی‌نگری در زوایای گوناگون اجتماعی با دیدی نقاد گونه. / تغییر دیدگاه
شاعر نسبت به طبیعت و پناه بردن به آن به عنوان پناهگاهی از وضع ناهنجار و نابسامان اجتماع. پس
طبیعت جزئی از وجود شاعر می‌شود. / صحبت از "امید" به عنوان ضامن حیات اجتماعی جامعه‌ای
آشفته و به بن‌رسیده. / انتقاد از شیوه‌های آموزشی سنتی، ساختارهای کلان و در نهایت نوعی
رماتیسم اجتماعی. / بیان رویکردی جدید، مساوات طلبانه و مبتنی بر حقوق و وظایف انسان. / انسان

گرایی یا اومانیزم (توجه به ارزشهای انسانی)./نیما تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی شاعری نمادگرا و اجتماعی است./ اشاره غیر مستقیم به وقایع تاریخی و اجتماعی و بیان مسائل اجتماعی چون ناراستی، تزویر، فقر و گرفتاری مردم./ بیان امید به تحولات سازنده اجتماعی با کاربرد واژه های "روز، صبح، سحر، سفید و روشن" با بسامد بالا./ توجه به فرهنگ مردم، اصطلاحات عامیانه و ادبیات نوشتاری و گفتاری و ساخت پیکره ای یگانه./ مسائل شخصی، علوم زمان و عناصر اسلامی در شعر نیما بسیار کمرنگ است، در عوض تحت تأثیر اوضاع اختناق آور آن زمان، "انسان، جامعه، طبیعت و ناامیدی" بسامد بالایی دارد. (ترابی، ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۲۸)

۲- مباحث اجتماعی در اشعار بهار

در تاریخ ادبیات فارسی کمتر شاعری به اندازه بهار در شعرش به امور اجتماعی پرداخته است. بهار شاعر آزادی و حافظ سنتها و ارزشهای انسانی و اجتماعی است. او که نخست زندگی را با ملک الشعرايي آغاز کرده بود با دیدن وضع نابسامان اجتماع، جانب مشروطه خواهان را گرفت با اندوه و خشمی که ریشه در اوضاع سیاسی و اجتماعی بود. بهار بر تربیت بدنی، آموزش و پرورش اخلاقی، اعتنای فرصت، اراده، دلیری و گذشت در جهت پیشرفت، آزادی، میهن پرستی، عدالت جویی، ترقی و توسعه، هشیاری مردم در برابر تهدیدهای جهان خواران در تمام برهه های حساس تاریخی تأکید و تمام افراد جامعه را به وفاق و یگانگی فرا می خواند:

ما نگفتیم در اول که نجویم نفاق؟ ما بر آن عهد نبودیم که سازیم وفاق؟
به کجارت پس آن عهد و چه شد آن میثاق؟ چه شد اکنون که شما را همه برگشت مذاق؟

کس نگوید ز شما خانه من در خطر است
ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است

شرط ما بود که با هم همه همدست شویم به وفاق و به وفا یکسره پا بست شویم
از پی نیستی، از همت حق هست شویم نه کز اینان ز نفاق و دودلی پست شویم

که مرا خانه و ملک و سر و تن در خطر است

ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است (بهار، ۱۳۹۱: ۳۶)

بهار در بسیاری از اشعارش بر عدالت، صلح و صفا، دوری از جنگ و کشتار سخن گفته است:

فغان ز جغد جنگ و مرغوی او	که تا ابد بریده باد نای او
بریده باد نای او و تا ابد	گسسته و شکسته پر و پای او
چه باشد از بلای جنگ صعبتر	که کس امان نیابد از بلای او
کجاست عهد راستی و مردمی	فروغ عشق و تابش ضیای او
کجاست دور یاری و برابری	حیات جاودانی و صفای او(همان:۱۵۸)

بهار جزو نخستین شاعرانی بود که در سنگرهای شعر اجتماعی آنهم در قالب شعر سنتی قلم زد و ادبیات را با بهره جویی از سیاست و اجتماع گسترده تر ساخت و پلی استوار بین شعر کلاسیک و شعر نو بعد از مشروطیت ایجاد کرد.

دو قصیده معروف "دماوندیه و جغد جنگ" مهارت و چیره دستی بهار را در توجه به نو آوری در مضمون و متناسب با تحولات زمان و مقتضیات روزگار نشان می دهد:

ای دیو سپید پای در بند	ای گنبد گیتی ای دماوند
از سیم به سر یکی کله خود	ز آهن به میان یکی کمر بند
چون گشت زمین ز جور گردون	سرد و سیه و خموش و آوند
بنواخت ز خشم بر فلک مشت	آن مشت تویی تو ای دماوند
تو قلب فسرده زمینی	از درد ورم نموده یک چند
از نار و سعیر و گاز و گوگرد	از دود و حمیم و بخره و گند
بفکن ز پی این اساس تزویر	بگسل ز هم این نژاد و پیوند
زین بی خردان سقله بستان	داد دل مردم خردمند(همان:۹۳)

مسائل اجتماعی در اشعار بهار حاکی از آن است که وی ستایشگر صلح و آزادی و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی. / بیان آموزه های اخلاقی و تربیتی در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی. / تکیه بر مفاهیمی چون بی نیازی و سرفرازی، مهم شمردن فرصت، علو همت، دلیری و از خود گذشتگی، خطر کردن، نرمی و ملایمت، بی آزاری و نیکوکاری، آزادی، وطن، عدالت، هوشیاری ملت. / بیان احوال و

روزگار مردم در فضای مسموم سیاسی آن عصر. / استفاده از ضرب‌المثل‌های رایج بین عوام چون: "دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز" و ... در شعر. / تشریح سرمایه‌داری و تغییرات و شرایط جدید آن و مواردی چون این در قالب اشعار سنتی و گاه طنز آلود.

۳- مباحث اجتماعی در اشعار فرخی یزدی

فرخی در دوره‌ای بس حساس و پر از هرج و مرج یعنی در آستانه مشروطیت زندگی می‌کرد، پس مسائل اجتماعی را در اشعار خود مطرح نموده و مناسب زمان شعر می‌گوید. شعر فرخی فصلی جدید در ادب ایران گشود. فصلی که باعث فخر ادب این مرز و بوم شد. او اندیشه‌ای نو و روحی اندیشمند را در نوشته‌هایش به کار گرفت و هنرش را در خدمت اجتماع قرار داد. غزلهای عاشقانه فرخی بیانگر عشقی وافر به وطن و ملت است که فرخی آنها را تا سرحد پرستش می‌ستاید و از رنج آنان رنج می‌برد و از شادی آنها شاد می‌شود. او به خاطر معشوق وطن جان بر کف، به بیان حقایق اجتماعی می‌پردازد.

خواننده با خواندن غزلیات فرخی نخست می‌پندارد فرخی از عشق، معشوق و بی‌مهری او سخن می‌گوید؛ اما چون عمیق می‌نگرد گلایه از بیگانگانی را می‌بیند که در میهن عزیز او نفوذ کرده و به چپاول مشغولند و شاعر در هیات یک فرد اجتماع، کارگری ساده و محروم از مزایای اجتماعی شوریده حال، به بیان تاریخ صدر مشروطه می‌پردازد و روحیات مردم آن زمان را می‌کاود. (رنجبر، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

او خواهان آزادی و حق و حقوق همه افراد اجتماع است:

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی	که روح بخش جهان است نام آزادی
به پیش اهل جهان محترم بود آن کس	که داشت از دل و جان احترام آزادی
هزار بار بود به، ز صبح استبداد	برای دسته پا بسته، شام آزادی
به روزگار، قیامت به پا شود آن روز	کنند رنجبران چون قیام آزادی
ز بند بندگی خواجه کی شوی آزاد	چو فرخی نشوی گر غلام آزادی

(فرخی، ۱۳۶۳: ۷۳)

بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....151

فرخی به علت ایمان به آزادی و آزادی خواهی به صاحب منصبان و ثروتمندان به دیده احترام نمی نگرد و ارزش انسان را مقام معنوی می داند. فرخی مرد عمل است و به آنچه می گوید معتقد است و دیگران را وادار و تشویق به فعالیت و کار مینماید. وی با افراد چاپلوسی که با شئون اجتماعی و فرهنگ ایرانی مخالف اند، می جنگد تا آنجا که علیه کار نامشروع ضیغم الدوله قشقایی فرمانروای مستبد یزدی شعری می سراید:

خود تو می دانی نیم از شاعران چاپلوس کز برای سیم بنمایم کسی را پای بوس
لیک گویم گر به قانون مجری قانون شوی بهمن و کیخسرو و جمشید و افریدون شوی
(همان: ۸۰)

فرخی با وجود تحمل تعقیب، تهدید، زندان و سختیها و مصائب بسیار چون سایر شعرای انقلابی و اجتماعی هم عصرش (عشقی، ادیب، ایرج، ...) به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی و انتقاد از آنها می پردازد و با وجود تمام سختیها و کارشکنی ها از هدف عالی خودروی گردان نمی شود. اشعار اجتماعی فرخی سرشار از جنبش و خشونت است؛ وی زندگی اجتماعی ملت ایران را با تمام غمها و شادی هایش بی پروا به تصویر کشده زیرا معتقد است وظیفه شاعر ارتباط مستقیم با ملت و اجتماع است و این ارتباط و پیوستگی ناگسستنی است. شعرا زبان گویای اجتماعند و باید با کلمات و اشعار استوار و زیبای خود هموعان خود را بیدار کنند و به شاهراه خوشبختی هدایت نمایند. مسائل اجتماعی در اشعار فرخی یزدی: مردم را از جنگ و دورویی و نفاق بر حذر می دارد و برای رسیدن به مقاصد شخصی خود حاضر به آزار و اذیت دیگران نیست. خدمت به خلق را چون ادای نماز واجب می داند:

در شرع ما که خدمت خلق از فرایض است انصاف طاعتی است که کم از نماز نیست
(همان: ۲۱)

۱۵۲.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

او راستی و یکرنگی را می‌ستاید و نیکوکاران را تمجید می‌کند و به اجرای قانون و اطاعت از آن پایبند است چرا که آن وسیله آزادی ملت و کشور است:

محکوم زوال کی شود آن ملت
در مملکتی که حکم با قانون است
(همان: ۹۹)

وی با ضعیف پروری می‌ستیزد و معتقد است مردم جامعه باید از نظر فکری آنقدر نیرومند شوند که بتوانند حق خود را از رباینده آن بگیرند و بر توجه به معنویت و عرفان تأکید می‌ورزد و عشق را باعث پیشرفت می‌داند:

عشق در کوه کنی داد نشان قدرت خویش
ور نه این مایه هنر تیشه فرهاد نداشت
(همان: ۱۶)

بر دعوت به اتحاد و همبستگی ملی و حتی جهانی - علاقه به وطن و جانبازی در راه پیشرفت و ترقی ایران؛ بیان حقایق اجتماعی و سیاسی به طور صریح و آشکار (با انتشار روزنامه طوفان) و مذمت نفاق و دورویی تأکید دارد.

روزی به چمن اگر درآیم چو هزار
من بو نکنم گلی که صد رو دارد
(همان: ۱۱۶)

او برای تأثیر نهادن بر میهن پرستان گاه به خودستایی می‌پردازد:

روزگار او را نسازد پست همچون فرخی
هر که با طبع بلند و همت مردانه بود
(همان: ۳۳)

به مقاومت در برابر فقر و بیچارگی و داشتن مناعت طبع توصیه می‌کند، به آزادی خواهان ارادت می‌ورزد و گاه از آنان به دیده تحسین در اشعارش نام می‌برد، مانند عشقی.

۴- مباحث اجتماعی در دیوان پروین

پروین در دور و زمانه‌ای صحبت از مسائل اجتماعی می‌کند و با صراحت مشکلات اجتماع را در دیوان خود به کار می‌برد که بحث از هرگونه موضوع سیاسی، اجتماعی و حتی فقر و محرومیت مردم و نابسامانی اجتماع، باعث گرفتاری شاعر می‌شد؛ اما پروین مردانه و با دقت نظر و واقع بینی در

بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....153

زندگی و روابط اجتماعی نفوذ کرده و زوایای گوناگون اجتماع را به تصویر می کشد. (اکبری، ۱۳۸۶: ۷۸).

او دردهای اجتماع را بیان می کند، درمان را هم حس تعاون و همکاری و اتحاد و یگانگی افراد می داند. پروین می گوید اگر حق به حق دار برسد، رشوه خواری ریشه کن شود و مستمندان و فقیران تحت حمایت دیگران قرار گیرند جهان چون بهشت می شود. او گاه مسائل مهم زندگی و اجتماعی را به صورت فابل بازگو می کند درس سعی و عمل و حزم و درس دوری از مکر و بازیهای فلک را به خوبی به خواننده می آموزد و اینکه با عقل و منطق کارها را می توان پیش برد. شعر او آینه کردار است:

شعر من آینه کردار توست ناید از آینه به جز حرف راست

(پروین اعتصامی، ۱۳۶۳: ۲۳)

او به صورت فردی در بطن جامعه از مسائل رنج آور اجتماع سخن می گوید و گاه ثروتمندان و صاحب منصبان را بانی تلخی و مصیبت یتیمان و فقرا می داند:

به سر خاک پدر، دخترکی	صورت و سینه به ناخن می خست
که نه پیوند و نه مادر دارم	کاش روحم به پدر می پیوست
گریه ام بهر پدر نیست که او	مرد و از رنج تهیدستی رست
پدرم ز بی دارویی	وندرا این گوی سه داروگر هست
دل مسکینم از این غم بگداخت	که طیبیش به بالین نشست
همه دیدند که افتاده ز پای	لیک روزی نگرفتندش دست

(همان: ۹۹)

پروین به خاطر همین حمایت و غمخواری است که مجبور است در برابر حکام و زورمندان قد علم کند و با زبانی طنز آلود، آنان را تنبیه و به افشای حقیقت پردازد:

حقیقت گوی شو پروین چه ترسی نشاید بهر باطل حق نهفتن

(همان: ۱۶۸)

پروین از فاصله طبقاتی، دوگانگی و مشکلات اجتماعی انسانها، به وفور سخن گفته است:
روز شکار پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد تو جز دود آه نیست
هنگام چاشت سفره بی نان ما ببین تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست
صد جور دیدم از سگ و دربان به درگهت جز سفله و بخیل در این بارگاه نیست
(همان: ۹۸)

و سرانجام:

سختی کشی ز دهر، چو سختی دهی به خلق در کیفر فلک غلط و اشتباه نیست
(همان: ۱۶۸)

پروین چنان با دقت و ژرف‌نگری، مسائل اجتماعی و اخلاقی را بیان می‌کند که گویی جزئی از آنهاست گفته‌هایش بیانگر واقعیت‌های تلخ اجتماعی است، آن‌هم در تصاویری بدیع که چشم را مجذوب خود میکند و این سوال را در ذهن هر خواننده ایجاد می‌کند که این همه تفاوت اجتماعی و فردی چگونه و چرا ایجاد می‌شوند؟ او در قطعه "صاعقه ما، ستم اغنیاست" چهره کریه لاشخورانی چون "قاضی رشوه‌گیر، طبیب تاجر پیشه، حاکم غاصب، زاهد ریاکار و پول پرستان" را به تصویر می‌کشد:

مردمی وعدل و مساوات نیست زآن، ستم و جور و تعدی رواست
هیچکسی پاس نگهدار نیست این لغت از دفتر امکان جداست
تیره دلان را چه غم از تیرگی است بی خبران را چه خبر از خداست

(همان: ۱۷۴)

پروین با تمام ویژگی‌های زنانه، مردانه قد علم می‌کند و می‌گوید باید وظیفه خود را بدون کوچکترین چشمداشت به پاداش تمجید دیگران انجام دهیم. او می‌کوشد ریشه نارضایتی‌های اجتماعی را بیابد و درمان کند و در بسیاری موارد در شرح مشکلات به ارائه راهکار می‌پردازد:

به کار خویش نپرداختیم نوبت کار تمام عمرنشستیم و گفتگو کردیم
به وقت همت و سعی و عمل، هوس راندیم به روز کوشش و تدبیر آرزو کردیم

بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....155

بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق ببین چه بیهده تفسیر در "جاهلوا" کردیم
از آن زشاخ حقایق به ما بری نرسید که ما همیشه حکایت ز رنگ و بو کردیم
(همان: ۱۹۷)

پروین با سعی و کوشش بر بهتر زیستن، فراگیری علم و دانش، نمادی بارز از شخصیت اجتماعی جامعه زنان ایرانی است، کدام شاعر جرأت بیان مصائب اجتماعی را آن هم اینگونه بی پروا داشته است؟

محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت مست گفت: ای دوست، این پیراهن است افسار نیست
گفت: می باید تو را تا خانه قاضی برم گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست
گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم گفت: والی از کجا در خانه خمّار نیست
گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست
گفت: باید حد زند هوشیار مردم، مست را گفت: هوشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست
(همان: ۲۴۱)

پروین در قطعات "اندوه، فقر، سرود خارکن، طفل یتیم، بی پدر، تیره بخت" و.... به بررسی وضع زنان و کودکان پیر و فقیر و یتیم می پردازد که از حداقل امکانات زندگی محروم اند. نکته اجتماعی دیگر در اشعار پروین، توجه به هسته مرکزی اجتماع و خانواده یعنی زن با فضیلت و با اخلاق و با کمال داشته و از زنان اجتماع خود می خواهد در عوض پرداختن به ظاهر خود به معنویات و علم و تقوی و هنر واقعی توجه کنند. (رنجبر، ۱۳۷۷: ۱۲۲) او درباره پوشش راستین یک زن مسلمان و دوری از الگوهای نادرست غرب نیز به نشان اشرافیت و تجدد، سخن گفته است:

آب و رنگ از علم می بایست، شرط برتری با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود
جلوه صد پرینان چون یک قبای ساده است عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود
زن سبکساری نبیند تا گران سنگ است و پاک پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
زن چو گنجور است و عفت گنج و حرص و آز وای اگر اگه ز آیین نگهبانی نبود

(پروین اعتصامی، ۱۳۶۳: ۱۵۴)

مسائل اجتماعی در دیوان پروین: بیان آموزهای اخلاقی و اندیشه و ملاحظات اجتماعی در سطح گسترده / همدردی با ینوایان و فقرا و بیان مصائبی که اغنیا و روزگار بر آنان تحمیل کرده‌اند. / توجه به تعلیم و تربیت دختران و مادران به عنوان پرورنده نسل آینده / توجه به دانش و هنر، فرهنگ و معرفت به عنوان "بهترین غنا و برترین بنا" / توجه به مکارم اخلاقی، نیکی، نوع دوستی و نوع پروری، فداکاری، استواری، ایمان و عشق به انسان و انسانیت. / سخن از فقر و محرومیت و نابسامانیهای اجتماعی / آموزش فکری و فرهنگی و اخلاقی در جهت تکامل جامعه و ترقی اجتماع / بیان دوری از خودبینی "از بهر خلق کوشیدن" و آموزش "تمام دیدن و از خویش هیچ نادیدن" / دوری از تجمل‌گرایی و عدالت خواهی به عنوان مهمترین مباحث اجتماعی / دفاع از حقوق زن، و بیان عدم برتری مرد بر زن... / یاد آوری روابط ناسالم اجتماعی و اقتصادی که به وجود آورنده شرایط نابسامان محیطی هستند. / توجه به هویت یابی زنان و رشد و تعالی و فرهنگ و انسایت و سادگی و پویایی فکری و توجه به عرفان و عشق برای صفا و بقای حیات و رسیدن به معرفت و حقیقت ازلی / سعی در زدودن فتنه، ریا، و موانع رشد و ترقی انسان.

۵- مباحث اجتماعی در شعر شهریار

شهریار متوجه اجتماع است. اجتماع از دید او به صورت یک کل انسانی مطرح است، شهریار رنج انسانها را می‌بیند، فقر و بی‌عدالتی قلبش را به درد می‌آورد و رنجها را در عشق به مردم به تصویر می‌کشد. تصویری از شادی و رنج مردم به اشعار او روح می‌بخشد. (مشرف، ۱۳۸۶: ۱۷)

ای پا برهنه در به در کوچه ها یتیم گوید زبان حال تو با من چه ها یتیم
چون در اشک خود چو شدی بی بها یتیم دامان آبرو مکن از کف رها یتیم
ملت گنهکار و تو بینی جزا یتیم
ای پا برهنه در به در کوچه ها یتیم

(شهریار، ۱۳۷۵: ۷۳)

بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....157

شهریار در اشعارش بخصوص "اسلام و خدمت اجتماعی" فضیلت اصلی را نه در علم و دانش و زهد و طاعت بلکه در خدمت به خلق می داند، به جامعه به صورت "مجموعه انسانیت" اهمیت می دهد:

ادمیان شاخه و برگ هم اند
کاین همه از یک تنه آدم اند
آدمی از نوع جدا، زنده نیست
برگ به شاخ است گرش زندگی است

(همان: ۹۶)

شهریار بارها از جهل و غفلت اجتماعی متأثر گشته و جانش به درد آمده است:

فرهنگ ما برای جهالت فزودن است
مأمور زشت بودن و زیبا نمودن است
برنامه اش که سخت به دستور اجنبی است
از بهر مغز خستن و اعصاب سودن است
بیدار شو که نغمه طنبور اجنبی
لالایی است و از پی سنگین غنودن است

(همان: ۱۱۴)

در شعر "روح پروانه" از غم ستایی ایرانیان شکوه می کند و آن را نتیجه تاریخ گذشته ایران می داند.

نغمه ما غمزده گر شد رواست
ز آن که حکایت کن هنگامه هاست
ماتمی شوکت دیرین شده است
نوحه گر خسرو شیرین شده است
باز هم ایران اگر ایران شود
پیرو آیین دلبران شود
در دل این نغمه دمدم جان نو
نوکه شود نغمه ایران نو

شهریار گاه به زبان طنز و کنایه درباره شرایط اجتماعی نظر می دهد، به طور مثال در قطعه سمبولیک وطنی گفتگوی طوطی را با بوزینه ای وصف می کند که خود را شیر معرفی می کند و با استدلالهای مسخره خود طوطی را به خنده می اندازد.

طوطیک گفت کمی چندشم آمد لیکن
این نه آن غرش شیری که ببرد شمشیر

(همان: ۶۱)

بوزینه اصرار می‌کند که "شیر ما شیر جدیدی است تو از من بپذیر" و در پاسخ:
طوطیک خنده کنان گفت پذیرفتم لیک وه از آن بیشه که بوزینه آن باشد شیر

(همان: ۶۱)

شهریار در شعر "بادمجان بم آفت ندارد" (قبل از انقلاب) «از اوضاع اجتماعی انتقاد می‌کند:

که دیگر حس ملیت ندارد
علاج دیگری دولت ندارد
غم بیداری ملت ندارد
چرا زحمت کشم علت ندارد

(همان: ۸۳)

شهریار خود می‌گوید: "....تا در دوران مهاجرت که دهخدا، ایرج، عارف، عشقی به اروپا و ترکیه رفتند در آنجا با شعرهای ساده آشنا شدند و دانستند که لازم نیست شاعر ملی فقط از جنگ سلاطین صحبت کند. او باید از احتیاجات روحی مردم عصر خود سخن بگوید" (علیزاده، ۱۳۷۹: ۵۶)

بحث و نتیجه‌گیری

در شعر قدیم، شاعران به دلیل وابستگی و پابندی به الگوهای محدود ذهنی با تصاویر کهنه و کلیشه‌ای سنتی سر و کار دارند و کمتر از این چارچوب توصیفی‌های قرار دادی گام بیرون می‌نهند؛ در نتیجه مضامین مکرر و محدود بود شاعران کهن کمتر به حس و تجربه فردی و یا تخیل و ادراک هنری اهمیت میدادند و معیارهای زیبا‌شناختی را غیر قابل‌تغییر و تحول‌میدانستند در نتیجه نگرش‌ها کلی کلیشه‌ای بود. شعر قدیم گرایش به نظم بدون جوهر شعری است و استفاده از ابعاد بلاغت معمولاً آگاهانه عام است عواطف فردی و محدود فکری، عشق و معشوق الهی، غنای اندیشه، قالبهای سنتی و یکنواخت، تقدم قالب بر محتوا و تسلط وزن و قافیه بر ذهن شاعر، تساوی مصراعها و توالی منظم قافیه مشهود است در حالیکه شعر دوره معاصر دارای تخیلی گسترده تصاویر تازه و

بازتاب و بن‌مایه‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....159

بدیع با تکیه بر تجارب فردی است. جزئی‌نگری، توجه عمیق به جوهر شعر و استفاده از صور خیال و آرایه‌های بلاغی به طور طبیعی و غریزی، جهان‌نگری مدرن بیان عواطف آزاد و اجتماعی و انسانی با دید جزئی‌نگرانه، عشق و معشوق زمینی، فقر اندیشگی در قالبهای تازه با تقدم محتوا بر قالب و عدم تساوی مصراعها و در نهایت تقدم و تسلط ذهن و زبان شاعر بر وزن و قافیه از ویژگی‌های خاص شعر معاصر است. شعر معاصر در واقع ره‌آورد روایتی ناگهانی ما با امواج قدرتمندان مدرنیته بود.

ظهور رنسانس قرن ۱۵ و ۱۶ و فروپاشی روح تفکر قرون وسطایی و علم محوری و انسان‌مداری منجر به دگرگونی بنیادی در ساختار زندگی انسان معاصر شد. در ایران نیز علیرغم گامهایی در جهت مدرنیته کردن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پس از شکستهای طولانی ایران از روسیه و قراردادهای ننگین "گلستان و ترکمنچای" همگان متقاعد شدند که واجبترین نیاز کنونی کشور به دست آوردهای فکری، فرهنگی غرب است؛ پس مظاهر تمدن و فرهنگ غرب وارد صحنه اجتماعی و فکری ما ایرانیان شد. عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم خان فراهانی و امیر کبیر سلسله جنبان تحول اجتماعی بودند که با آثار طالبوف آخوندزاده، ملکم خان و دهخدا روح نوجویی و ترقی‌خواهی و آزادی‌طلبی در اقشار مختلف جامعه دمیده می‌شود و با تمام فشارهای سیاسی و همه‌موانع فکری و فرهنگی شاعران و نویسندگان معاصر با آشنایی شعر و داستان‌ویسی و طنز و نقد و... از فرهنگ غرب در پیکره بیرونی و درونی ادبیات فارسی هم‌تجدد و دگرگونی ایجاد کردند و شعر و ادبیات در خدمت آرمانهای اجتماعی و رسالت اجتماعی قرار گرفت تا رسالت خود را که بیدارگری اجتماعی است به جای آورد و این بزرگترین رهاورد شعر معاصر شد. اهم مباحث اجتماعی مطرح شده در شعر شاعران معاصر و گذشته را می‌توان به اختصار به شرح زیر برشمرد:

الف - ابعاد جامعه‌شناختی در اشعار نیما: یأس و ناامیدی و سرخوردگی تحت فشار و سرکوب و خفقان بعد از کودتای ۱۳۳۲، نوآوری و ابداع در جهت انعکاس بهتر مسائل اجتماعی، استبداد ستیزی و آزادی‌خواهی و حق‌طلبی، همدردی با فقیران و رنجبران جامعه ایرانی و عدالت‌خواهی. سخن از وجود فاصله طبقاتی، نفی مطلق‌نگری و مقدس‌شمردن برخی از نخبگان هنری و

اجتماعی و گله و شکایت از روابط اجتماعی که بر مبنای نظام فردی و سودجویانه است. جزئی‌نگری در زوایای گوناگون اجتماعی با دیدی نقاد گونه "امید" به عنوان ضامن حیات اجتماعی جامعه‌ای آشفته، انتقاد از شیوه‌های آموزشی سنتی، ساختارهای کلان و در نهایت نوعی رمانتیسم اجتماعی. توجه به انسان‌گرایی یا اومانیزم (توجه به ارزشهای انسانی) تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی و امید به تحولات سازنده اجتماعی. توجه به فرهنگ عامیانه و تأثیر پذیری از اوضاع اختناق آور زمان خود.

ب- مسائل اجتماعی در اشعار بهار: ستایشگر صلح و آزادی و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و بیان‌کننده آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی. تکیه بر مفاهیمی چون بی‌نیازی و سرفرازی، مهم شمردن فرصت، علو همت، دلیری و از خودگذشتگی، خطر کردن، نرمی و ملایمت، بی‌آزاری و نیکوکاری، آزادی، وطن، عدالت، هوشیاری ملت. بیان احوال و روزگار مردم در فضای مسموم سیاسی آن عصر با استفاده از ضرب المثلهای رایج بین عوام چون: "دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز" و تشریح سرمایه‌داری و تغییرات و شرایط جدید آن و مواردی چون این در قالب اشعار سنتی و گاه طنز آلود.

پ- مسائل اجتماعی در اشعار فرخی یزدی: مردم را از جنگ و دورویی و نفاق بر حذر می‌دارد و برای رسیدن به مقاصد شخصی خود حاضر به آزار و اذیت دیگران نیست. خدمت به خلق را چون ادای نماز واجب می‌داند و راستی و یکرنگی را می‌ستاید و نیکوکاران را تمجید می‌کند. به اجرای قانون و اطاعت از آن پایبند است چرا که آن وسیله آزادی ملت و کشور است و وی باضعیف‌پروری می‌ستیزد و معتقد است مردم جامعه باید از نظر فکری آنقدر نیرومند شوند که بتوانند حق خود را از رباینده آن بگیرند. توجه به وادی معنویت و عرفان دارد و عشق را باعث پیشرفت می‌داند، دعوت به اتحاد و همبستگی ملی و حتی جهانی - علاقه به وطن و جانبازی در راه پیشرفت و ترقی ایران می‌کند. حقایق اجتماعی و سیاسی را به طور صریح و آشکار مطرح و نفاق و دورویی را مذمت می‌کند.

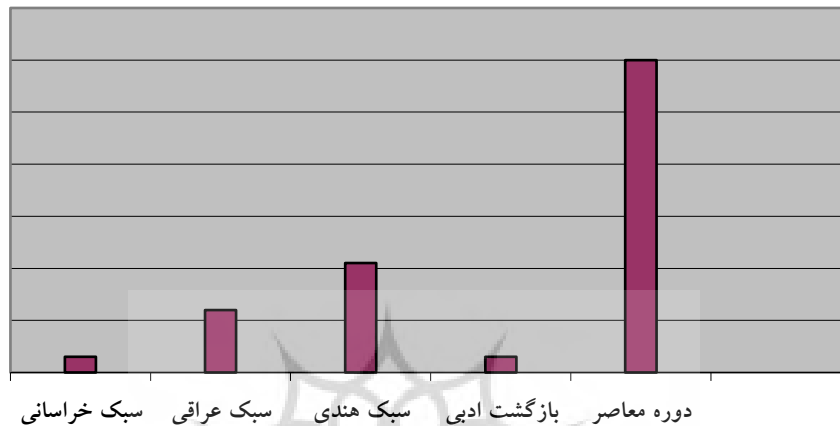
بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....161

برای تأثیر نهادن بر میهن پرستان گاه به خودستایی می پردازد و مقاومت در برابر فقر و بیچارگی و داشتن مناعت طبع در اشعارش هویداست و به آزادی خواهان ارادت می ورزد و گاه از آنان به دیده تحسین در اشعارش نام می برد.

ت-مسائل اجتماعی در دیوان پروین: بیان ملاحظات اجتماعی، همدردی با بینوایان و فقرا و بیان مصائبی که اغنیا بر آنان تحمیل کرده اند. توجه به تعلیم و تربیت دختران و مادران به عنوان پرورنده نسل آینده و توجه به دانش و هنر، فرهنگ، نوع دوستی ایمان و عشق به انسان و انسانیت. طرح فقر و محرومیت و نابسامانیهای اجتماعی و توصیه به آموزش فکری و فرهنگی و اخلاقی در جهت تکامل جامعه و ترقی اجتماع؛ دوری از تجمل گرایی و عدالت خواهی؛ دفاع از حقوق زن، و بیان عدم برتری مرد بر زن و طرح روابط ناسالم اجتماعی و اقتصادی که به وجود آورنده شرایط نابسامان محیطی هستند.

ث-مسائل اجتماعی در دیوان شهریار: بیان رنج و درد و فقر مردم و بی عدالتی و توصیه به خدمت به خلق و همدردی با طبقات ضعیف جامعه، بیان مظاهر منفی اجتماعی و فرهنگی و تشویق ملی گرایی و بیان احساسات ملی و میهنی. سیاست و سفر که ریشه در دل آزردهی شاعر رمانتیک از اجتماع صنعتی دارد و تمایل بازگشت به طبیعت روستایی، وجود رئالیسم مردمی در شعرهای او که نشانه توجه او به واقعیات اجتماعی است. توصیف اجتماعی از اماکن مردم ستمکش، زندگی شهری و مجالس بزم و شعر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار بازتاب تطبیقی مسائل اجتماعی در ادوار شعر پارسی

در نمودار مذکور که از استخراج داده‌ها، درباره مضامین اجتماعی موجود در جامعه ایران و در اشعار شاعران دوره معاصر، با مفاهیمی چون انقلاب، آزادی، میهن پرستی، دردهای اجتماعی چون فقر، تبعیض، بی عدالتی، ظلم و ظهور مفاهیمی چون امید، معنویت، مردم باوری، تئوری زدگی بخصوص در شعر بعد از انقلاب اسلامی... به دست آمده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین ادوار شعر فارسی، بیشترین انعکاس اجتماعیات در شعر و مضامین جامعه‌شناختی متعلق به دوره معاصر است. پس از آن شعر سبک هندی است که در بازتاب مسائل و مشکلات اجتماعی به دلیل بسته بودن فضای سیاسی شکست خورد.

منابع

- اعتصامی پروین (۱۳۶۳) دیوان اشعار، تهران، نشرامیر کبیر.
- اکبری منوچهر (۱۳۸۶) مجموعه مقالات پروین اعتصامی، تهران، نشر خانه کتاب.
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۹۱) دیوان اشعار، تهران، نشر نگاه.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، تبریز، نشر فروزش.
- حاج سید جوادی، حسن (۱۳۸۲) بررسی در ادبیات معاصر ایران، تهران، نشر گروه پژوهشگران ایران.
- خانلو، ناصر؛ جاوید مهر، محمد (۱۳۹۶) ارزش‌های اخلاقی در دیوان شهریار، فصلنامه مطالعات عرفان و فلسفه، دوره ۳، شماره ۱.

بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در.....163

- رنجبر احمد (۱۳۷۷) ده مقاله، تهران، نشر اساطیر.
- روزبه محمدرضا (۱۳۸۶) ادبیات معاصر ایران، تهران، نشر روزگار.
- سلیم غلامرضا (۱۳۷۷) جامعه شناسی ادبیات، تهران، انتشارات توس.
- شبستری، معصومه؛ ستاری، الهه (۱۳۹۴) کتاب نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳) ادوار شعر فارسی، تهران، نشر سخن.
- شهریار محمدحسین (۱۳۷۵) دیوان اشعار، تهران، نشر خیام.
- صالحی، محمدرضا (۱۳۹۶) مشبه به های اجتماعی در غزلیات فرخی یزدی، دومین کنگره بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- علی بابایی، داود (۱۳۸۴) جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار و مقالات سه شاعر انقلابی، تهران، نشر امید فردا.
- علیزاده جمشید (۱۳۷۹) گفتگو با شهریار، تهران، نشر نگاه.
- فرخی یزدی (۱۳۶۳) دیوان اشعار، تهران، امیر کبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷) دستور مختصر تاریخی زبان فارسی، تهران، نشر سخن.
- فرشیدی، علی، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، ۱۳۸۵، سال دوم، شماره دوم، آشتیان: دانشگاه آزاد اسلامی
- کشاوری فتح الله (۱۳۸۱) ادبیات حماسی، تهران، نشر آن مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی.
- محمدی، علی؛ پناهی، نعمت الله (۱۳۸۸) عناصر اجتماعی و انسانی در شعر نیما یوشیج، فصلنامه نامه پارسی، شماره ۳۸ و ۳۹.
- مشرف مریم (۱۳۸۶) شهریار مرغ بهشتی، تهران، نشر ثالث.
- نویخت ایرج (۱۳۷۹) درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات فارسی، تنکابن.
- یلمه ها، احمدرضا (۱۳۹۰) در سایه سار خیال، دهقان، نشر دانشگاه آزاد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی